

The Policy of Changing the Monetary and Banking Law of The Country: Changing the Currency of Iran

Nouralah Salehi Asfiji^{1*}, Mahdi Moulai²

1. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Management and Economics, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran

2. Ph.D. Student in Economics, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

(Received: June 27, 2022; Accepted: August 9, 2022)

Abstract

The monetary and banking law of Iran approved on 18/4/1351 has 45 articles. The first part of this law is about money. The problem and error in the definition of money is that a rial is not constant over time. Because the value of gold changes over time. As a result, the currency policy should be designed so that the value of one rial remains constant over time for all generations. That is, the value of money is in its purchasing power. In other words, the function of money is separate from the function of the monetary unit. That is, in the process of crediting money in economics, the monetary unit must also be credited. That is, the validity of money and the validity of monetary unit are necessary for each other. The role of currency in the exchange process is to give public awareness to all economic agents. In this new approach, the function of money is only a means of measuring value. That is, money does not store value in itself, but the monetary unit stores value in itself. Now, the monetary unit policy should be designed so that the value of a monetary unit remains constant over time for all generations. The solution is to create a public source of money, so that the ownership of this public source of money belongs to all generations. As a result of the act of providing money from this public source for all economic agents over time, it is in the form of a loan contract. In other words, the law should be changed as follows: one rial is equal to the provision of one unit of money from the general source of money in the form of a loan contract for all generations.

Keywords: Currency policy, Forming a public source of money, Free-interest contract, Money, Value.

* **Corresponding Author, Email:** salehinoor@gmail.com

سیاست تغییر قانون پولی و بانکی کشور: تغییر یک واحد پول ایران

نورالله صالحی اسفنجی^{۱*}، مهدی مولایی^۲

۱. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸)

چکیده

قانون پولی و بانکی ایران مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ دارای ماده ۴۵ است. قسمت اول این قانون مربوط به پول است. اشکال و خطای تعریف پول در آن این است که یک ریال در طول زمان ثابت نیست. زیرا ارزش طلا در طول زمان تغییر می‌کند. در نتیجه، باید سیاست واحد پولی طوری طراحی شود که ارزش یک ریال در طول زمان برای تمامی نسل‌ها ثابت بماند. یعنی ارزش پول در قدرت خرید آن است. به عبارتی، وظیفه پول از وظیفه واحد پولی مجزاست. یعنی در فرایند اعتبار پول در علم اقتصاد، باید واحد پولی هم اعتبار شود. یعنی اعتبار پول و اعتبار واحد پولی لازم و ملزوم یکدیگرند. نقش واحد پولی در فرایند مبادله، دادن آگاهی عمومی به تمامی عاملین اقتصادی است. در این رویکرد جدید، وظیفه پول فقط و فقط، وسیله اندازه‌گرفتن ارزش است. یعنی پول ارزش را در خود ذخیره نمی‌کند، بلکه واحد پولی ارزش را در خود ذخیره می‌کند. حال باید سیاست واحد پولی طوری طراحی شود که ارزش یک واحد پولی در طول زمان برای تمامی نسل‌ها ثابت بماند. راه حل این کار، تشکیل منبع عمومی از پول است، به طوری که مالکیت این منبع عمومی از پول متعلق به تمامی نسل‌هاست. در نتیجه عمل تأمین پول، از این منبع عمومی برای تمامی عاملین اقتصادی در طی زمان، به صورت عقد قرض الحسنه است. به عبارتی، باید قانون به شکل زیر تغییر کند: یک ریال برابر است با تأمین مقدار یک واحد پول از منبع عمومی پول به صورت عقد قرض الحسنه برای تمام نسل‌ها.

واژگان کلیدی: ارزش، پول، تشکیل منبع عمومی پول، سیاست واحد پولی، عقد قرض الحسنه.

مقدمه

به طور خلاصه، سیاست پولی^۱ در هر کشور نشان‌دهنده برنامه و اهداف بانک مرکزی آن کشور برای اقتصاد جامعه است. همانطور که احتمالاً می‌دانید بانک‌های مرکز در هر کشور ابزارهای مختلفی را در دست دارند تا بتوانند میزان تورم، رکود اقتصادی، ارزش ارز و ... در کشور را کنترل کنند که به مجموعه برنامه‌هایی که هر بانک برای کنترل این پارامترها در نظر می‌گیرد سیاست پولی گفته می‌شود. در حقیقت، بانک‌های مرکزی در هر کشور تلاش می‌کنند تا با ابزارها و سیاست پولی خود، چرخه اقتصادی کشور را کنترل کرده و آن را به سمت اهداف مورد نظر خود هدایت کنند (بخشی دست‌چردی و دلالی اصفهانی، ۱۳۹۰). مهمترین موضوع در سیاست پولی، سیاستی است که به حفظ ارزش پول در طی زمان منجر شود، به عبارتی، سیاست حفظ ارزش پول مقدم بر سیاست پولی است. در ادبیات اقتصاد متعارف صحبتی از سیاست حفظ ارزش پول نشده است. در این تحقیق قرار است سیاست حفظ ارزش پول تبیین شود. به طوری که سیاست حفظ ارزش پول، سیاست واحد پولی است. پس قبل از سیاست پولی باید سیاست واحد پولی تبیین شود. نکته ظریف این تحقیق این است که با اعمال سیاست واحد پولی، سیاست پولی به طور خودکار اجرا می‌شود. موضوعاتی که در این تحقیق تبیین می‌شود، به شرح زیر است:

۱. تبیین وظایف و نقش پول در علم اقتصاد متعارف: تغییر فرایند مبادله به فرایند اندازه‌گرفتن و فرایند اندازه‌گیری ارزش؛
۲. تبیین سیاست پولی در علم اقتصاد متعارف
۳. تبیین سیاست واحد پولی (قدرت خرید پول) در علم اقتصاد: اعمال خودکار سیاست پولی
۴. تبیین عقد قرض‌الحسنه پول به عنوان اطلاعات متقارن؛
۵. تغییر قانون پولی و بانکی کشور: تغییر واحد پولی از تعریف بر حسب مقداری از طلا به تعریف از تأمین پول از منبع عمومی پول
۶. نوآوری بنیادین تحقیق (وسیله ذخیره ارزش): پول یا واحد پولی؟ حفظ قدرت خرید پول؛

۷. تبیین وظایف و نقش پول در علم اقتصاد متعارف: تغییر فرایند مبادله به فرایند اندازه‌گرفتن و فرایند اندازه‌گیری ارزش.

در علم اقتصاد، وظایفی به شرح زیر برای پول در نظر گرفته می‌شود: ۱. وسیله محاسبه؛ ۲. وسیله مبادله؛ ۳. وسیله ذخیره ارزش (توتونچیان، ۱۳۷۹).

خطای این تحلیل این است که هر سه وظیفه را به پول نسبت می‌دهند. توجه شود با ورود پول در علم اقتصاد فرایند مبادله به فرایند اندازه‌گرفتن و فرایند اندازه‌گیری ارزش تغییر می‌کند. در صورتی که پول فقط و فقط یک وظیفه را برعهده دارد، یعنی وسیله محاسبه و اندازه‌گرفتن ارزش. به عبارتی، وسیله مبادله، پول نیست. وسیله ذخیره ارزش، پول نیست. وسیله مبادله، واحد پولی است (وسیله ذخیره ارزش). یعنی واحد پولی قرار است این آگاهی را به عاملین اقتصادی بدهد که ارزش‌های یکسانی مبادله می‌شود. همچنین، نکته ظریف دیگری که در ارتباط با ذخیره ارزش باید به آن توجه کرد منظور از کلمه ذخیره ارزش، حفظ ارزشی است که با پول اندازه‌گرفته شده است. در نتیجه، خود پول دیگر نمی‌تواند ارزشی را که با اندازه‌گرفته است، حفظ کند. نیاز به ابزار دیگری است. ابزار حفظ ارزش پول، تشکیل منبع عمومی از پول است. به طوری که مالکیت این منبع عمومی از پول متعلق به تمامی عاملین اقتصادی است. به طوری که عمل تأمین پول از این منبع به صورت عقد قرض‌الحسنه است. به عبارتی، برای پول بازار تشکیل نمی‌شود (توتونچیان، ۱۳۷۹). در نتیجه، ارزش پول در طی زمان حفظ می‌شود. به عبارتی، زمانی که پول را در اقتصاد اعتبار می‌کنیم، لازم و واجب است به همراه اعتبار آن، یک منبع عمومی از پول تشکیل داد. در نتیجه، باید در متون نظری اقتصاد پولی وظایف اشاره‌شده فوق از پول به شکل زیر تغییر کند:

- وسیله محاسبه و اندازه‌گرفتن ارزش: پول
- وسیله مبادله ارزش: واحد پولی: وسیله ذخیره ارزش
- وسیله ذخیره (حفظ ارزش): تشکیل منبع عمومی از پول
- البته شایان ذکر است واحد پولی از تشکیل منبع عمومی حاصل می‌شود، به طوری که واحد پولی همان قدرت خرید پول است.

به عبارتی، با تشکیل منبع عمومی از پول عاملین اقتصادی مواجهه با دو نوع پول هستند. برای تبیین دقیق این دو نوع پول لازم است ابتدا تعریف هر یک را مشخص کرد.

۱. پول خصوصی: پولی که مالکیت آن خصوصی است. به عبارتی، این پول ناشی از کارکردن عاملین اقتصادی در فرایند نظام بازار است. در نتیجه، پول به عنوان دارایی عمل می‌کند.

۲. پول عمومی: پولی که مالکیت آن عمومی است. به عبارتی، این پول ناشی از تأمین به صورت عقد قرض‌الحسنه از منبع عمومی است. در نتیجه، به صورت بدهی عمل می‌کند.

در نتیجه، وجود منبع عمومی از پول سبب ایجاد دو نوع پول برای عاملین اقتصادی در طی زمان می‌شود. البته پول موجود در منبع عمومی بر مبنای اصل تعاون برای تمامی نسل‌هاست. در سیستم تعاون منافع جامعه اهمیت دارد، اما در سیستم رقابت منافع فردی و گروهی. در نظام رقابت، پول برای عاملین اقتصادی به عنوان دارایی عمل می‌کند. به طوری که مالکیت پول ناشی از فرایند بازار برای عاملین اقتصادی خصوصی است. اما عاملین اقتصادی در فرایند مبادله نیاز به تأمین مالی پول دارند. در اینجا برای حفظ ارزش پول باید یک منبع عمومی از پول تشکیل داد به طوری که مالکیت این منبع عمومی است و متعلق به تمامی عاملین اقتصادی در طی زمان است. به عبارتی، عاملین اقتصادی در این حالت بر مبنای اصل تعاون فعالیت می‌کنند. در نظام تعاون، پول برای عاملین اقتصادی به عنوان بدهی عمل می‌کند. بدهی به منبع عمومی. زیرا مالکیت پول در بخش تعاون عمومی است. در نتیجه در فرایند مبادله در علم اقتصادی عاملین اقتصادی با دو نوع پول مواجهند. نوع اول پول ناشی از نظام بازار است به طوری که مالکیت این پول برای عاملین اقتصادی خصوصی است. نوع دوم پول ناشی از نظام تعاون است. به طوری که مالکیت این پول برای عاملین اقتصادی عمومی است و باید به صورت عقد قرض‌الحسنه اجرا شود. به عبارتی، در علم اقتصاد عاملین اقتصادی در فرایند مبادله با دو نوع پول مواجهند: ۱. پولی که مالکیت آن خصوصی است؛ ۲. پولی که مالکیت آن عمومی است. انحراف و خطای نظام پولی موجود این است که تفکیکی بین پول خصوصی و پول عمومی نشده است. به عبارتی، یک منبع عمومی از پول به طوری که مالکیت این منبع متعلق به تمامی عاملین اقتصادی باشد، تعریف نشده است. در علم اقتصاد متعارف عرضه، تقاضا و قیمت پول از اهمیت خاصی برخوردار است. به طوری که عرضه پول توسط بانک مرکزی

و نیز نهاد بانکی صورت می‌گیرد. قیمت پول هم همان نرخ بهره است. می‌توان بیان کرد که در علم اقتصاد متعارف پنج نهاد زیر در عرضه پول نقش دارند: ۱. بانک مرکزی؛ ۲. دولت؛ ۳. مردم؛ ۴. نهاد بانکی؛ ۵. بخش خارجی. به عبارتی، عرضه پول درون‌زا است. قیمت پول هم همان نرخ بهره است. تقاضای پول توسط عاملین اقتصادی (خانوارها، بنگاه‌ها، دولت و نهاد بانکی) صورت می‌گیرد و برای پول عمومی بازار تعریف شده است. نتیجه این خطا کنز پول است. نماد کنز پول هم دارایی‌های بانک مرکزی است. در نتیجه باید تأمین مالی پول عمومی از حالت بازار خارج شود و به صورت عقد قرض‌الحسنه انجام گیرد. زیرا مالکیت پول عمومی، عمومی است. در نتیجه باید برای حفظ ارزش پول، بازار پول عمومی را حذف کرد، و تأمین پول عمومی به صورت عقد قرض‌الحسنه انجام گیرد. زیرا مالکیت پول عمومی، عمومی است.

مبانی نظری

ببین سیاست پولی در علم اقتصاد متعارف

عرضه پول یا به عبارت صحیح‌تر، حجم نقدینگی، مجموع پول و شبه‌پول است، عرضه پول در یک کشور به معنای مجموع اسکناس‌ها و مسکوکات و سپرده‌های دیداری در یک کشور است. تفاوت عرضه پول با حجم پول یک کشور، در سپرده‌های غیر دیداری افراد نزد بانک‌هاست. عرضه پول شامل تمامی پول‌های منتشرشده توسط سیستم بانکی و دیگر انواع سپرده‌هایی است که توسط عموم مردم در بانک‌های تجاری و سایر مؤسسات سپرده‌گذاری از قبیل اتحادیه‌های اعتباری نگهداری می‌شود. بانک مرکزی به عنوان گرداننده اصلی بازار پول در اقتصاد کشورها می‌تواند از طریق اعمال سیاست پولی انبساطی مثلاً خرید اوراق قرضه از دولت (افزایش پایه پولی) میزان عرضه پول را در سطح جامعه افزایش دهد و در حالت برعکس هم از طریق اعمال سیاست پولی انقباضی مثلاً فروش اوراق قرضه به دولت (کاهش پایه پولی) میزان عرضه پول را در سطح جامعه کاهش دهد.

نظریه درون‌زایی عرضه پول یا نظریه پول درون‌زا یکی از بحث‌های اصلی اقتصاد پساکینزی است. دیدگاه نئوکلاسیکی بر این پایه استوار است که عرضه پول مستقیماً به وسیله بانک‌های مرکزی تعیین می‌شود؛ اما اقتصاددانان پساکینزی بر این باورند که رشد عرضه پول اساساً به صورت درون‌زا

و در بازارهای مالی مانند سیستم بانکی تعیین می‌شود. در چنین شرایطی تعداد زیادی از مدل‌های معمول اقتصاد کلان، در اقتصاد پساکینزی رد شده و به خصوص کارایی سیاست‌های مبتنی بر کنترل عرضه پول با سؤال مواجه می‌شود. بر اساس این دیدگاه، مداخله‌های بانک مرکزی به هدف کنترل عرضه پول و در نتیجه عرضه اعتبار، به آن میزان که در ادبیات اقتصادی ارائه شده است، کارایی نخواهد داشت. نظریه پساکینزی پول درون‌زا سهم بسزایی در نظریه اقتصاد کلان دارد و ارتباطی مهم بین بخش‌های مالی و واقعی اقتصاد برقرار می‌کند. نظریه پول درون‌زای پساکینزی‌ها جهت حرکت را از اعتبار به پول و به فعالیت‌های اقتصادی می‌دادند. در واقع، جهت علیت در عرضه درون‌زای پول، از اعتبارات بانکی به مانده‌های بانکی است، در حالی که در تئوری دیرپای عرضه برون‌زای پول، این مانده‌های پولی است که وام‌های بانکی را تعیین می‌کند. مسئله اصلی پول درون‌زا این است که اعتبار در ابتدای زنجیره علی قرار می‌گیرد و این درست در مقابل دیدگاه متداول است که در آن پول در ابتدای زنجیره قرار دارد و از طریق ضریب فزاینده، اعتبارات بر مبنای آن پول ایجاد می‌شود (رحمانی، ۱۳۸۰).

همگام با توسعه نظریه پول درون‌زا، تفاوت‌ها و بحث‌ها در خصوص آن نیز رشد کرد، به طوری که می‌توان گفت دو دیدگاه مجزا در خصوص درون‌زایی عرضه پول وجود دارد که به دیدگاه انطباق‌گر او دیدگاه ساختارگرا معروف‌اند. هر دوی این دو دیدگاه پول را متأثر از اعتبارات بانکی می‌دانند، اما بر سر آنکه تنها بخشی از اعتبارات بانکی یا تمام آن به وسیله تقاضا برای اعتبارات بانکی تعیین می‌شود، متفاوت هستند (Aruka & Jurgen, 2005).

ادعاهای اصلی پولیون همان‌طور که توسط فریدمن اشاره می‌شود، این است که: ۱. عرضه پول توسط بانک مرکزی کنترل می‌شود؛ ۲. رکود بزرگ در نتیجه اشتباه بانک مرکزی آمریکا در محدود کردن عرضه پول رخ داده است؛ ۳. پول مهم‌ترین مسئله است و سیاست‌های مالی مؤثر نیستند؛ ۴. بانک‌های مرکزی باید قاعده‌ای برای رشد عرضه پول در نظر بگیرند؛ به طوری که ثبات اقتصادی را افزایش دهد. ریشه نظریه پول درون‌زای پساکینزی در تقابل با پولیون، هم در زمینه اقتصاد کلان و هم در زمینه نسخه‌های سیاستی نهفته است. بنیاد نظریه پولیون این است که بانک مرکزی عرضه پول را کنترل می‌کند.

در علم اقتصاد متعارف بازار پول نقش مهم و کلیدی را ایفا می‌کند. به طوری که تقاضای پول توسط عاملین اقتصادی (خانوارها، بنگاه‌ها، دولت و نهاد بانکی) صورت می‌گیرد. همچنین، عرضه پول توسط بانک مرکزی و نیز نهاد بانکی صورت می‌گیرد. قیمت پول هم همان نرخ بهره است. می‌توان بیان کرد در علم اقتصاد متعارف پنج نهاد زیر در عرضه پول نقش دارند: ۱. بانک مرکزی؛ ۲. دولت؛ ۳. مردم؛ ۴. نهاد بانکی؛ ۵. بخش خارجی. به عبارتی، عرضه پول درون‌زا است. نکته ظریف در این رویکرد این است که به دلیل عدم تعریف دقیق از پول برای پول بازار تعریف می‌شود. به طوری که نماد بازار پول، بانک مرکزی (تعریف ترازنامه برای بانک مرکزی) است. به عبارتی، بازار پول به عنوان در فرایند مبادله در علم اقتصاد به عنوان هزینه مبادله عمل می‌کند. نتیجه این هزینه مبادله، تورم و افزایش بدهی در اقتصاد است. یعنی بدهی دولت افزایش می‌یابد. به عبارتی، رشد اقتصادی بدون رشد بدهی امکان‌پذیر نیست. امروزه تمام دولت‌ها با این موضوع روبرو هستند. در این حالت بدهی‌های اقتصاد بدهی به صورت زیر است:

۱. بدهی دولت به بانک مرکزی؛ ۲. بدهی نهاد بانکی به بانک مرکزی؛ ۳. بدهی دولت به نهاد بانکی؛ ۴. بدهی بنگاه‌ها و خانوارها به نهاد بانکی.

وجود نرخ بهره و نرخ ذخیره قانونی توجیه‌کننده این بدهی‌هاست. نکته ظریف و دقیق اقتصاد بدهی وجود بازار پول است. به عبارتی، بدهی دولت به بانک مرکزی و نیز بدهی نهاد بانکی به بانک مرکزی ناشی از وجود بازار پول است. البته تعریف ترازنامه برای بانک مرکزی نیز در همین جهت است. تعریف ترازنامه برای بانک مرکزی سبب می‌شود بانک مرکزی به عنوان عامل اقتصادی در نظر گرفته شود. در صورتی که در حقیقت بانک مرکزی عامل نیست. نتیجه این خطا کنز پول توسط بانک مرکزی است. در نتیجه همیشه با وجود رشد اقتصادی، اقتصاد همواره مواجهه با بدهی است. بدهی دولت به بانک مرکزی و نیز بدهی نهاد بانکی به بانک مرکزی به خاطر وجود بازار پول غیر علمی است.

سیاست پولی فرایندی است که به وسیله آن مقامات پولی یک کشور عرضه پول را اغلب با هدف تنظیم نرخ بهره به منظور رشد اقتصادی، پایداری و ثبات نسبی قیمت‌ها و کاهش بی‌کاری

کنترل و مهار می‌کنند. به طور معمول، دو سیاست پولی انقباضی و انبساطی وجود دارد که براساس آن‌ها عرضه پول به منظور رسیدن به اهداف ویژه در شرایط متفاوت اتخاذ می‌شوند. در سیاست انبساطی فراوری پول بیش از حد معمول می‌شود و هدف مقابله با بی‌کاری در یک وضعیت رکود اقتصادی از طریق کاهش نرخ بهره به امید جلب اعتماد بازرگانان در گسترش فعالیت‌های اقتصادی است. در سیاست انقباضی قصد کاهش تورم به امید جلوگیری از زوال و کاهش ارزش‌های دارایی است. نکته شایان توجه در این نوع سیاست پولی این است که این سیاست‌ها منجر به تغییر ارزش واحد پولی می‌شوند. به عبارتی، سیاست واحد پولی در این تحلیل‌ها جایگاهی ندارد.

تبیین سیاست واحد پولی (قدرت خرید پول) در علم اقتصاد: اعمال خودکار سیاست پولی

اساس علم اقتصاد را مبادله شکل می‌دهد. وجود پول هم برای شکل‌گیری فرایند مبادله ضرورت دارد. پول در علم اقتصاد برای فرایند مبادله طراحی شده است. مبادله یعنی انتقال همزمان دو ارزش (مبادله کالا به کالا). اما با وجود پول مبادله به فرایند مبادله تبدیل می‌شود. توجه به مبادله و فرایند مبادله در بحث بسیار مهم است. زیرا در فرایند مبادله با وجود پول فقط یک ارزش انتقال می‌یابد. نکته ظریف در بحث فرایند مبادله اندازه‌گیری ارزش است. توجه شود با ورود پول در علم اقتصاد فرایند مبادله به فرایند اندازه‌گرفتن و فرایند اندازه‌گیری تغییر می‌کند. اندازه‌گیری در علم اقتصاد شرایط خاص خودش را دارد. زیرا در علم اقتصاد ناظر (انسان) در سیستم اندازه‌گیری نقش دارد، بر خلاف سایر اندازه‌گیری‌ها در علم فیزیک. به نظر می‌رسد حلقه مفقود اندازه‌گیری در علم اقتصاد، نقش ناظر است. در صورتی که این نقش هم در نظر گرفته شود خطای اندازه‌گیری به صفر کاهش پیدا می‌کند (حذف جمله اخلال). در این تحقیق الگویی مبتنی بر نقش ناظر در اقتصاد متعارف برای حل مشکل خطا تبیین می‌شود. نکته ظریف و دقیق این تحقیق گزاره زیر است:

✓ با لحاظ کردن نقش ناظر در علم اقتصاد برای اندازه‌گیری دقیق، باید دوبار اندازه‌گیری کرد.

حال در این تحقیق اندازه‌گیری دقیق ارزش مبادله‌ای (انرژی) به شرح زیر است:

- وسیله اندازه‌گرفتن ارزش مبادله‌ای: پول: انتساب اعداد

- واحد اندازه‌گیری ارزش مبادله‌ای: واحد پولی: وسیله ذخیره ارزش

نکته ظریف این اندازه‌گیری این است که واحد پولی، واحد اندازه‌گیری ارزش مبادله‌ای است نه واحد اندازه‌گیری پول. فهم این نکته بسیار مهم و اساسی است. به عبارتی، ارزش مبادله‌ای با پول اندازه گرفته می‌شود و با واحد پولی، ارزش مبادله‌ای انتقال پیدا می‌کند. نکته ظریف دیگری که باید به آن اشاره شود، تبیین دو نوع مالکیت در فرایند مبادله در علم اقتصاد است:

الف) مالکیت عاملین اقتصادی نسبت به پول و واحد پولی

ب) مالکیت واحد پولی نسبت به کالاها (ارزش حقوقی واحد)

یعنی واحد پولی در فرایند مبادله نسبت به کالاها مالکیت دارد. در نتیجه باید حقوق مالکیت برای واحد پولی تعریف کرد (هادوی‌نیا، ۱۳۸۲). مهمترین حقوق این واحد پولی این است که ارزش این واحد در طی زمان ثابت باشد. به عبارتی، نیاز به تعریف یک واحد استاندارد اندازه‌گیری ارزش مبادله‌ای است (تشکیل منع عمومی از پول). در صورتی که ارزش این واحد پولی در طی زمان ثابت بماند، ارزش پول در طی زمان ثابت می‌ماند. یعنی حذف تورم از اقتصاد برای همیشه. به عبارتی، واحد پولی قرار است به عاملین اقتصادی این آگاهی را بدهد که در طی فرایند مبادله در علم اقتصاد ارزش‌های یکسانی مبادله می‌شوند. ابتدا باید سیاست واحد پولی تعریف شود. سیاست واحد پولی به این معنای دادن آگاهی عمومی به تمامی عاملین اقتصادی است، نسبت به این موضوع که ارزش‌های یکسانی مبادله می‌شود. نکته ظریف در بحث سیاست واحد پولی این است که، واحد پولی، واحد اندازه‌گیری پول نیست. بلکه واحد اندازه‌گیری ارزش است. به عبارتی، این واحد پولی است که به عاملین اقتصادی در طی زمان تضمین می‌دهد که ارزش‌های یکسانی مبادله می‌شوند. یعنی واحد پولی نقش وسیله مبادله را دارد. یعنی فرایند مبادله در علم اقتصاد نیاز به دو وسیله دارد: پول، و واحد پولی. پول، وسیله محاسبه و اندازه‌گرفتن ارزش است.

واحد پولی، وسیله ذخیره ارزش است.

حال باید این وسیله را طوری طراحی کرد که تضمین کند ارزش‌های یکسانی در فرایند مبادله، مبادله می‌شود. راه حل این کار تشکیل منبع عمومی از پول است. به طوری که مالکیت این منبع عمومی، عمومی است. در نتیجه، قرض پول به صورت عقد قرض الحسنه است. این سیاست واحد پولی منجر به حفظ ارزش واحد پولی می‌شود. تشکیل منبع عمومی پول همان سیاست خودکار پولی است.

در این دیدگاه دو نوع وسیله به طوری کلی برای ارزش تبیین شد. ۱. وسیله اندازه‌گیری ارزش که همان پول است. ۲. وسیله انتقال ارزش که همان آگاهی عمومی است. آگاهی عاملین اقتصادی که دارند ارزش‌های یکسانی را مبادله می‌کنند. به طوری که ارزش وسیله اندازه‌گیری در طی زمان ثابت است. دستخوش تغییر نمی‌کند. ارائه یک معیار ارزش ثابت. البته حصول این آگاهی از طریق تشکیل منبع عمومی پول است. زمانی که این منبع تشکیل شد این آگاهی همیشه در طی فرایند مبادله برقرار است. یعنی با وجود این منبع یک بار برای همیشه این شرط برای تمامی نسل‌ها برقرار است. نکته‌ای در این تحقیق بر روی آن تأکید می‌شود خروجی این فناوری نوین پول است. این فناوری (تشکیل منبع عمومی پول) علاوه بر اینکه ارزش پول را در طی زمان حفظ می‌کند (ثبات قدرت خرید پول) به تحقق قانون والراس در بخش اسمی اقتصاد منجر می‌شود. یعنی در طی فرایند مبادله این منبع عمومی باعث می‌شود همیشه تقاضای پول با عرضه پول برابر باشد. یعنی در بخش پولی اقتصاد هیچ‌گاه مواجهه با کمبود یا مازاد پول مواجه نخواهیم شد. این همان برکات عظیم قرض‌الحسنه است که خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید به آن توجه خاصی کرده است.

به عبارتی، عرضه پول همیشه در اقتصاد به صورت یک منبع عمومی (سیاست خودکار پولی) وجود دارد که عاملین اقتصادی هر زمان خواستند می‌توانند از این منبع به صورت عقد قرض‌الحسنه متناسب با نیاز خود استفاده کنند. در این رویکرد نقش بانک مرکزی در عرضه و تأمین مالی پول حذف می‌شود. به عبارتی، عاملین اقتصادی هیچ وقت به بانک مرکزی بدهکار نیستند. بلکه فقط و فقط به منبع عمومی آن هم به صورت قرض‌الحسنه بدهکارند. به عبارتی، تنها بدهی در اقتصاد قرض‌الحسنه است. به عبارتی، در این حالت به درستی بین عمل قرض و عمل بازار تمایز در نظر گرفته شده است. چون عرضه پول برون‌زاست. به عبارتی، نکته ظریف این فناوری تغییر عرضه پول از درون‌زا به برون‌زا خواهد بود. در نظام پولی فعلی واحد پولی به خاطر درون‌زاد بودن عرضه پول درون‌زاست. در نتیجه، ارزش این واحد پول ثابت نیست. در نتیجه ارزش پول ثابت نیست. زیرا فقط سیاست پولی اعمال می‌شود. توجهی به سیاست واحد پولی نمی‌شود. شایان ذکر است این رویکرد با ایجاد فناوری واحد پولی در علم اقتصاد حاصل شده است. به عبارتی، تا به امروز در

ادیات اقتصاد پولی از فناوری واحد پولی که ارزش آن در طی زمان حفظ شود بحثی صورت نگرفته است. مجدداً تأکید می‌شود که فناوری پول با فناوری واحد پولی تفاوت دارد.

فناوری واحد پولی: فناوری که به عاملین اقتصادی در طی زمان آگاهی می‌دهد که ارزش‌های یکسانی مبادله می‌شود (آگاهی عمومی). یعنی فناوری اندازه‌گیری.

فناوری پول: فناوری که مقدار ارزش مبادله عاملین اقتصادی در طی زمان را اندازه می‌گیرد. یعنی فناوری اندازه‌گرفتن

به عبارتی در این رویکرد بین اندازه‌گرفتن و اندازه‌گیری تفاوت در نظر گرفته شده است.

اندازه‌گیری دقیق ارزش به شرح زیر است.

- وسیله اندازه‌گرفتن ارزش: پول

- واحد اندازه‌گیری ارزش: واحد پولی: وسیله ذخیره ارزش

نکته ظریف این اندازه‌گیری این است که واحد پولی، واحد اندازه‌گیری ارزش است نه واحد اندازه‌گیری پول. فهم این نکته بسیار مهم و اساسی است. به عبارتی، ارزش با پول اندازه گرفته می‌شود و با واحد پولی، ارزش اندازه‌گیری و انتقال پیدا می‌کند.

تبیین عقد قرض‌الحسنه پول به عنوان اطلاعات متقارن: بازار پول به عنوان اطلاعات نامتقارن: شکست بازار

یکی از مهم‌ترین مباحث در نظریه‌پردازی علم اقتصاد، انسان اقتصادی و ویژگی‌های رفتاری اوست. اقتصاد به مثابه علمی انسانی، برای مدل‌سازی، پیش‌بینی، سیاست‌گذاری و تمام کارکردهای خود نیازمند شناختی مناسب از انسان، بسان محور تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است (رهبر، متوسلی و امیری، ۱۳۹۲). اقتصاد رفتاری به عنوان یکی از شاخه‌های نسبتاً جدید در دانش اقتصادی که با هدف ارتقای دانش اقتصادی و نزدیک‌کردن مدل‌های اقتصادی با واقعیت‌های بیرونی شکل گرفته است، طی چند دهه گذشته از اهمیت شایان توجهی برخوردار شده است. نظریه‌های اقتصادی باید در سه حوزه قضاوت شود: ۱. تطابق با واقعیت، ۲. عمومیت داشتن، ۳. کنترل و هدایت‌پذیری. در علم اقتصاد متعارف رفتارهای عاملین اقتصادی در فرایند مبادله تصادفی و غیر قابل پیش‌بینی است. در این بخش قرار است اقتصاد رفتاری از نگاهی نو تحلیل شود. مهمترین نکته در اقتصاد رفتاری، رفتار

انسان‌ها (عاملین اقتصادی) است. در نتیجه، نقش انسان جایگاه و اهمیت خاصی پیدا می‌کند. مهم‌ترین عنصر و ویژگی موجود در انسان که آن را از سایر موضوعات علوم مختلف تمایز می‌کند، عنصر اراده و اختیار و نیز آگاهی است. با توجه به اینکه در این تحقیق پول به عنوان اطلاعاتی در نظر گرفته شد که ارزش حقوقی (اعداد حقوقی) دارد می‌توان عنوان داشت که عقد قرض‌الحسنه پول از منبع عمومی به صورت اطلاعات متقارن عمل می‌کند. به عبارتی، این اطلاعات متقارن رفتار و اراده عاملین اقتصادی را جهت تقاضای بیش از نیاز مصرفی پول کنترل می‌کند. زیرا بازاری برای پول در نظر گرفته نشده است. نتیجه این سیاست، حفظ ارزش پول در طول زمان است. در صورتی که برای پول، بازار تشکیل شود، مواجهه با پدیده شکست بازار خواهیم شد. زیرا بازار پول به عنوان اطلاعات نامتقارن عمل می‌کند. نتیجه شکست بازار، تغییر ارزش پول در طول زمان است.

انسان با عنصر اراده و اختیار حرکت می‌کند و آگاهی را می‌کند. به عبارتی، برای ایجاد آگاهی در انسان سه عنصر لازم است: ۱. اراده؛ ۲. اختیار؛ ۳. حرکت. البته با دادن آگاهی به انسان اراده انسان قابل کنترل است.

رفتار تصادفی عاملین اقتصادی: رفتاری است که در آن اراده، اختیار و حرکت عاملین اقتصادی امکانی است. یعنی قابل پیش‌بینی و کنترل نیست. به عبارتی، اراده و حرکت انسان‌ها قابل کنترل نیست.

رفتار غیر تصادفی (معین) عاملین اقتصادی: رفتاری است که در آن اراده، اختیار و حرکت عاملین اقتصادی وجوبی است. یعنی قابل پیش‌بینی و کنترل است. به عبارتی، اراده و حرکت انسان‌ها قابل کنترل است. به عبارتی، با دادن آگاهی به عاملین اقتصادی می‌توان اراده آن‌ها را کنترل کرد. عنصر آگاهی کلید رفتار معین عاملین اقتصادی است. تشکیل منبع عمومی پول و نیز عقد قرض‌الحسنه پول در فرایند مبادله به عنوان آگاهی عمومی برای تمامی نسل‌ها عمل می‌کند. به طوری که منجر به رفتار معین برای تمام عاملین اقتصادی در طی زمان برای تمامی نسل‌ها خواهد شد. نتیجه این آگاهی عمومی (برای تمامی نسل‌ها) حذف تورم از اقتصاد است. به عبارتی ارزش پول برای تمامی عاملین اقتصادی در طی زمان برای تمامی نسل‌ها ثابت است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش تحلیلی انجام گرفته است. ابزار پژوهش اسناد و مدارک است و از تحلیل محتوا استفاده شده است. بخشی از آن‌ها که مرتبط با موضوع پژوهش بود، به روش هدفمند انتخاب شد.

یافته‌های پژوهش

تغییر قانون پولی و بانکی کشور: تغییر واحد پولی از تعریف بر حسب مقداری از طلا به تعریف از تأمین پول از منبع عمومی پول

ماده ۱ قسمت اول قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ به شرح زیر است:

(الف) واحد پول ایران ریال است. ریال برابر صد دینار است.

(ب) یک ریال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم ۰,۰۱۰۸۰۵۵ گرم طلای خالص است.

(ج) تغییر برابری ریال نسبت به طلا به پیشنهاد بانک مرکزی ایران و موافقت وزیر دارایی و تأیید هیأت وزیران و تصویب کمیسیون‌های دارایی مجلسین میسر خواهد بود.

(د) برابر پول‌های خارجی نسبت به ریال و نرخ خرید و فروش ارز از طرف بانک مرکزی ایران با رعایت تعهدات کشور در مقابل صندوق بین‌المللی پول محاسبه و تعیین می‌شود.

در ماده نیز بیان شده است:

(الف) پول رایج کشور به صورت اسکناس و سکه‌های فلزی قابل انتشار است.

(ب) فقط اسکناس و پولهای فلزی که در تاریخ تصویب این قانون در جریان بوده و یا طبق این قانون انتشار می‌یابد جریان قانونی و قوه ابراء دارد.

(ج) تعهد پرداخت هر گونه دین یا بدهی فقط به پول رایج کشور انجام‌پذیر است مگر آنکه با رعایت مقررات ارزی کشور ترتیب دیگری بین بدهکار و بستانکار داده شده باشد.

(د) مسکوکات طلا رواج قانونی ندارد.

ه) مقررات مربوط به ورود و صدور طلا و نقره به پیشنهاد رییس کل بانک مرکزی ایران و موافقت وزیر دارایی و تصویب هیأت وزیران تعیین می‌شود.

.....

خروجی این تحقیق تغییر مورد ب است:

ب) یک ریال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم ۰,۰۱۰۸۰۵۵ گرم طلای خالص است.

یعنی لازم است قانون به شکل زیر تغییر نماید:

- یک ریال برابر: تأمین مقدار یک واحد پول از منبع عمومی پول به صورت عقد قرض الحسنه برای تمام نسل‌ها.

یعنی با این سیاست واحد پولی، قدرت خرید پول در طول زمان برای تمامی نسل‌ها ثابت می‌ماند.

زیرا حقوق مالکیت پول به طور کامل برای تمامی نسل‌ها رعایت شده است.

نوآوری بنیادین تحقیق: وسیله ذخیره ارزش: پول یا واحد پولی؟ حفظ قدرت خرید پول

نکته بنیادین این تحقیق در توجه به کارکرد و نقش واحد پولی است. در ادبیات اقتصاد متعارف یکی از وظایف پول را نقش ذخیره ارزش می‌دانند. در صورتی که پول نمی‌تواند نقش ذخیره ارزش را داشته باشد. این وظیفه از ابداعات کینز بوده است. زیرا او آن را مورد تحلیل همه‌جانبه قرار داده است. در ادبیات اقتصاد اسلامی درباره این وظیفه اختلاف نظرهای بسیاری مشاهده می‌شود. به طوری که دکتر توتونچیان بر این عقیده است که پول در اقتصاد اسلامی نمی‌تواند ذخیره ارزش باشد. همچنین، دکتر میرمعزی در مقاله «تقاضای پول در اقتصاد اسلامی» می‌نویسد: در اقتصاد اسلامی نیز پول، ذخیره ارزش (به مفهوم کینزی آن) است. این اختلاف نظر از بی‌توجهی به مفهوم ذخیره صورت می‌گیرد. در صورت تدقیق شدن در کلمه ذخیره به‌سادگی این اختلاف نظر حل می‌شود. اگر پول بخواهد ارزش را در خود ذخیره کند، آن‌گاه باید یک کالا را به عنوان پول در نظر گرفت، چون فقط کالا امکان ذخیره ارزش را دارد، ارزش در کالا قابل ذخیره است. اما انتخاب کالا به عنوان پول غیر علمی است. حال نکته ظریف اینجاست که پول باید در طی زمان ارزش (اقتصادی) را در خود حفظ کند، نه اینکه ذخیره کند. به عبارتی، دقیق باید ارزش پول حفظ شود نه ذخیره. در

نتیجه باید در ادبیات اقتصاد پولی کلمه ذخیره جای خود را به کلمه حفظ بدهد. نکته ظریف دیگری که در این تحقیق باید به آن توجه نمود این است که برای این که پول بتواند ارزش (اقتصادی) را طی زمان در خود حفظ کند، باید ارزش خود پول نیز حفظ شود. یعنی حفظ ارزش اقتصادی مستلزم حفظ ارزش پول است. حال در ادامه راه کار حفظ ارزش پول در طی زمان تبیین می‌شود. برای حفظ ارزش پول کافیست که یک منبع عمومی از پول به حجم مشخص تعیین کرد، به طوری که مالکیت این منبع متعلق به تمامی عاملین اقتصادی در طی زمان است. در نتیجه، عمل تأمین پول از این منبع به صورت عقد قرض‌الحسنه است. با این کار ابتدا ارزش پول در طی زمان حفظ می‌شود و به دنبال آن پول قادر به حفظ ارزش (اقتصادی) کالاها خواهد بود. در نتیجه، با این رویکرد وظیفه سوم پول بر خلاف تفکر سفته‌بازی پول از دیدگاه کینز مبنی بر ذخیره‌بودن ارزش (اقتصادی) به حفظ ارزش (اقتصادی) تغییر می‌کند. زیرا بازار پول جای خود را به عقد قرض‌الحسنه می‌دهد. در صورتی که بر اساس رویکرد اقتصاد متعارف و کینزی اقتصاد تحلیل و اجرا شود آنگاه مواجهه با خطای اندازه‌گیری در علم اقتصاد شده‌ایم. به این معنا که در صورتی برای پول بازار تعریف شود و نیز تقاضای سفته‌بازی پول نیز پذیرفته شود در این رویکرد مواجهه با کنز پول خواهیم شد. نماد کنز سیستم فعلی پولی هم دارایی‌های بانک مرکزی است. در صورتی که ارزش پول در طی زمان حفظ شود تقاضای سفته‌بازی پول به صفر کاهش پیدا می‌کند در نتیجه پول هیچ‌گاه در اقتصاد کنز نخواهد شد (Chakraborti, 2002). به عبارتی، تا امروز در ادبیات اقتصاد پولی از فناوری واحد پولی که ارزش آن در طی زمان حفظ شود بحثی صورت نگرفته است. تأکید می‌شود فناوری پول با فناوری واحد پولی تفاوت دارد. فناوری واحد پولی: فناوری که به عاملین اقتصادی در طی زمان آگاهی می‌دهد که ارزش‌های یکسانی مبادله می‌شود (آگاهی عمومی). یعنی فناوری اندازه‌گیری. فناوری پول، فناوری که مقدار ارزش مبادله عاملین اقتصادی در طی زمان را اندازه می‌گیرد (آگاهی خصوصی). یعنی فناوری اندازه‌گرفتن. به عبارتی، در این رویکرد بین اندازه‌گرفتن و اندازه‌گیری تفاوت در نظر گرفته شده است. اندازه‌گیری دقیق ارزش به شرح زیر است: وسیله اندازه‌گرفتن ارزش، پول است و واحد اندازه‌گیری ارزش، واحد پولی است.

نکته ظریف این اندازه‌گیری این است که واحد پولی، واحد اندازه‌گیری ارزش است نه واحد

اندازه‌گیری پول. فهم این نکته بسیار مهم و اساسی است. به عبارتی، ارزش با پول اندازه گرفته می‌شود و با واحد پولی، ارزش اندازه‌گیری و انتقال پیدا می‌کند یعنی واحد پولی است که نقش ذخیره (حفظ) ارزش را بازی می‌کند. به عبارتی، واحد پولی (وسیله ذخیره ارزش) قرار است به عاملین اقتصادی این آگاهی عمومی را بدهد که در طی فرایند مبادله در علم اقتصاد ارزش‌های یکسانی مبادله می‌شوند. در نتیجه ارزش اقتصادی در پول ذخیره نمی‌شود. بلکه ارزش اقتصادی در واحد پولی ذخیره می‌شود. به طوری که واحد پولی به عنوان آگاهی و علم حضوری عاملین اقتصادی است. یعنی واحد پولی کالا نیست. واحد پولی ماده نیست. واحد پولی متافیزیک است. خطای قانون پولی و بانکی فعلی بی‌توجهی به فرایند اندازه‌گرفتن و اندازه‌گیری شود. توجه شود با ورود پول در علم اقتصاد فرایند مبادله به فرایند اندازه‌گرفتن و فرایند اندازه‌گیری ارزش تغییر می‌کند. به طوری که با حفظ حقوق مالکیت پول، قدرت خرید پول در طول زمان برای تمامی نسل‌ها ثابت می‌ماند.

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، تعداد زیادی از محققان به دنبال شناخت انگیزه‌های واقعی سیاست‌گذاران در واکنش به توسعه اقتصادی هستند. ادله آن‌ها این است که سیاست پولی از یک فرایند سیستماتیک پیروی می‌کند که از طریق رجحان‌های مقامات پولی در راستای دستیابی به اهداف معین، هدایت می‌شوند. هدف این مطالعه، تعیین حالت پایدار قاعده سیاست پولی بهینه، با بهره‌گیری از روش کنترل بهینه برای تمام نسل‌هاست. برای حصول این امر، اندازه‌گیری پول در نظریه کنترل بهینه بسیار مهم و حیاتی است. خروجی دقیق این اندازه‌گیری حذف تورم از اقتصاد برای تمامی نسل‌هاست. اندازه‌گیری پول در علم اقتصاد تفاوت بنیادینی با سایر اندازه‌گیری‌ها، از قبیل تولید، اشتغال، مصرف و... دارد. آن هم این است که پول، متغیر انباره است. یک متغیر انباره، دارای بعد زمانی نیست. در حالی که متغیر جریان (روانه)، بعد زمانی دارد. به عبارتی، مفهوم روانه، باید در هر لحظه از زمان تعریف شود. در صورتی که متغیر انباره، باید در یک لحظه از زمان اندازه‌گیری شود. به عبارتی، برای یک لحظه از زمان، برای تمامی زمان‌ها اندازه‌گیری می‌شود. تفاوت بنیادین انباره و روانه در واحد اندازه‌گیری است. واحد اندازه‌گیری روانه در طول زمان (واحد در زمان) تعریف می‌شود.

واحد اندازه‌گیری انباره، خالی از زمان است (Samuelson, 1976). در نتیجه، برای متغیرهای انباره رشد یا مشتق تعریف نمی‌شود. به عبارتی، رشد پول، بی‌معناست. یا تغییرات حجم پول، بی‌معناست. بلکه سطح برای متغیر انباره تعریف می‌شود. به زبان ریاضی برای متغیر انباشت، انتگرال تعریف می‌شود، نه مشتق و یا تغییرات. یعنی مشتق پول، همیشه صفر است. در ریاضیات، انتگرال (به فرانسوی: Integral)، روشی برای اختصاص اعداد به توابع است. یعنی در علم اقتصاد پول، انتگرال ارزش است، نه مشتق ارزش. آن چیزی که سبب روانه‌شدن پول در فرایند مبادله در علم اقتصاد می‌شود، سرعت گردش پول است. لکن خود پول انباره است. تفکیک بین پول و سرعت گردش پول مهم است. به عبارتی تعریف معادله حرکت برای پول خطاست. لکن برای سرعت گردش پول، معادله حرکت تعریف می‌شود. یعنی متغیر کنترلی پول نیست، لکن سرعت گردش پول متغیر کنترلی است. به طوری که با افزایش سرعت گردش پول، رشد اقتصادی افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه، تعادل پول برای تمامی نسل‌ها ایستاست، در صورتی که تعادل سرعت گردش پول، پویاست. در نتیجه، قاعده سیاست بهینه پول به صورت زیر است: تشکیل منبع عمومی پول در طول زمان برای تمامی نسل‌ها. به طوری که مالکیت این منبع عمومی، عمومی است. در نتیجه عمل تأمین پول از این منبع برای تمامی نسل‌ها به صورت عقد قرض الحسنه است. به عبارتی، در نظریه کنترل بهینه، منبع عمومی پول نقش کنترل‌کننده سیستم اقتصادی را بر عهده دارد. یعنی کنترل تورم فقط و فقط از طریق منبع عمومی برای تمامی نسل‌ها امکان‌پذیر است. در این صورت است که تعادل اقتصاد کلان، برای تمامی نسل‌ها، یک تعادل پایدار است. زیرا تعادل پول در طی زمان، تعادل ایستاست. زیرا پول، ارزش زمانی ندارد. زیرا پول، بعد زمان ندارد. در نتیجه، زمانی که برای اولین بار، پول برای فرایند مبادله در علم اقتصاد اعتبار می‌شود، برای همیشه در فرایند مبادله وجود دارد. یعنی طول عمر پول، بی‌نهایت است. به عبارتی، نیازی به خلق پول نیست. قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ دارای ۴۵ ماده است. قسمت اول این قانون مربوط به پول است. به طوری که ماده ۱ آن به شرح زیر است:

الف) واحد پول ایران ریال است. ریال برابر صد دینار است.

ب) یک ریال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم ۰,۰۱۰۸۰۵۵ گرم طلای خالص است.

اشکال و خطای این تعریف این است که یک ریال در طول زمان ثابت نیست. زیرا ارزش طلا در طول زمان تغییر می‌کند. در نتیجه باید سیاست واحد پولی طوری طراحی شود که ارزش یک ریال در طول زمان برای تمامی نسل‌ها ثابت بماند. برای حصول این امر باید نقش پول و نقش واحد پولی در علم اقتصاد به طور دقیق مشخص شود. یعنی ارزش پول در قدرت خرید آن است. قدرت خرید پول هم همان واحد پولی است. به عبارتی، وظیفه پول از وظیفه واحد پولی مجزاست. یعنی در فرایند اعتبار پول در علم اقتصاد یاد واحد پولی هم اعتبار شود. یعنی اعتبار پول و اعتبار واحد پولی لازم و ملزوم یکدیگرند. نقش واحد پولی در فرایند مبادله، دادن آگاهی عمومی به تمامی عاملین اقتصادی است، نسبت به این موضوع که ارزش‌های یکسانی مبادله می‌شود. در این رویکرد جدید، وظیفه پول فقط و فقط، وسیله اندازه‌گرفتن ارزش است. یعنی وظیفه پول چیزی جز، انتساب اعداد به ارزش در فرایند مبادله در علم اقتصاد نیست. به طوری که عاملین اقتصادی در فرایند مبادله نسبت به پول، مالکیت دارند. وظیفه واحد پولی در این رویکرد جدید، ذخیره (حفظ) ارزش است. یعنی پول ارزش را در خود ذخیره نمی‌کند. بلکه واحد پولی است، که ارزش را در خود ذخیره (حفظ) می‌کند. یعنی وسیله ذخیره ارزش در طول زمان واحد پولی است. حال باید سیاست واحد پولی طوری طراحی شود که ارزش یک واحد پولی در طول زمان برای تمامی نسل‌ها ثابت بماند. راه حل این کار، تشکیل منبع عمومی از پول است، به طوری که مالکیت این منبع عمومی از پول متعلق به تمامی نسل‌هاست. در نتیجه، عمل تأمین پول، از این منبع عمومی برای تمامی عاملین اقتصادی در طی زمان، به صورت عقد قرض‌الحسنه است. به عبارتی، مقدار یک واحد پولی از تأمین یک واحد پولی از منبع عمومی به صورت عقد قرض‌الحسنه تعریف می‌شود. عقد قرض‌الحسنه پول به صورت اطلاعات متقارن برای عاملین اقتصاد عمل می‌کند (بازار پول به عنوان اطلاعات نامتقارن: شکست بازار). یعنی باید قانون به شکل زیر تغییر کند:

- یک ریال برابر: تأمین مقدار یک واحد پول از منبع عمومی پول به صورت عقد قرض‌الحسنه

برای تمام نسل‌ها.

البته شایان ذکر است که منبع عمومی پول به تعبیری دیگر نیز، حقوق مالکیت پول در طول زمان

برای تمامی نسل‌هاست.

منابع

- بخشی دستجردی، رسول، و دلالی اصفهانی، رحیم (۱۳۹۰). *آسیب‌شناسی نظریه بهره و نظام بانکداری متعارف*. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری. *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۰، ۱۷۶-۱۶۶.
- رحمانی، تیمور (۱۳۸۰). *اقتصاد کلان*. تهران: انتشارات برادران.
- رهبر، فرهاد. متوسلی، محمود، و امیری، میثم (۱۳۹۲). اقتصاددانان رفتاری و نظریه‌های آن‌ها. *برنامه و بودجه، قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، ۴، ۱۸*
- هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۸۲). مبانی نظری ساختار مالکیت از دیدگاه قرآن. *اقتصاد اسلامی*، ۳(۱۲)، ۱۳-۳۵.

- Aruka, Y., & Jurgen, M. (2005). Carnot Process of Wealth Distribution. *Econophysics of Wealth Distributions*, Chatterjee, A. et al. (ed.), (pp.22- 13S) Springer.
- Chakraborti, A. (2002). Distributions of money in model markets of economy. *International Journal of Modern Physics*, 10, 13-22.
- International Vocabulary of Metrology – Basic and General Concepts and Associated Terms (VIM) (PDF) (3rd ed.). International Bureau of Weights and Measures. 2008.
- Samuelson, P. A. (1976). *Economics*. New York: Mcgraw-Hill.